

نظام پرداخت یارانه حامل‌های انرژی: مشکلات و ضرورت بازنگری آن

احمد تشکینی^۱، بهاره عریانی^۲ و محمد صبوری دیلمی^۳

نظام کنونی پرداخت یارانه حامل‌های انرژی، چالش‌های اساسی مانند: کاهش اثربخشی در اثر پرداخت همگانی، بهره‌وری پایین انرژی، افزایش بی‌رویه مصرف و فشار بر بودجه دولت و ایجاد فضای گلخانه‌ای برای بنگاه‌های تولیدی را در اقتصاد ایران به وجود آورده است. تداوم این سیاست به شکل کنونی، مانع اجرای درست سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و دستیابی به اهداف کلان اسناد بالادستی (مانند سند چشم‌انداز بیست ساله کشور) خواهد شد. بر این اساس، بازنگری اجرای سیاست پرداخت یارانه موضوعی ضروری است. بررسی تجربه کشورهای منتخب در زمینه اصلاح قیمت حامل‌های انرژی نشان‌دهنده منافع خالص مثبت در میان‌مدت و بلندمدت است. بر این اساس، پیشنهاد شده تا مجموعه اقدامات لازم برای هدفمندکردن یارانه حامل‌های انرژی، انجام شود. علاوه بر این، لازم است تا مجموعه‌ای از سیاست‌های مکمل برای به حداقل رساندن تبعات منفی زودگذر این اقدام اتخاذ شود تا کشور (در میان‌مدت و بلندمدت) از مزایای بسیار آن مانند: افزایش کارایی نظام اقتصادی و رشد اقتصادی، افزایش شفافیت، ارتقای عدالت اجتماعی و بهبود شاخص‌های زیست‌محیطی بهره‌مند شود.

کلید واژه‌ها: یارانه، حامل‌های انرژی، ضریب انرژی.

۱. دکترای اقتصاد و عضو هیئت علمی موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. ahmadtashkini111 @ yahoo.com
۲. کارشناس ارشد اقتصاد و پژوهشگر دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی. b_oryani2004 @ yahoo.com
۳. کارشناس ارشد اقتصاد انرژی و پژوهشگر دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی. mohamadsabouri@gmail.com

مقدمه

اکنون در بیشتر اقتصادهای جهان، دولت‌ها به‌عنوان مکمل نهاد بازار برای دستیابی به اهداف مشخص ناگزیر به دخالت در اقتصادند. میزان دخالت دولت در اقتصاد، با توجه به نظام اقتصادی و سیاسی حاکم بر هر کشور نیز متفاوت است. در این بین، «یارانه» یکی از ابزارهای مداخله در بازار است که با اهدافی مانند بهبود توزیع درآمد و موارد دیگر انجام می‌شود.

اقتصاد ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و طی دهه‌های اخیر همواره از این ابزار برای دستیابی به اهداف گوناگون استفاده کرده است. یادآوری می‌شود که یارانه حامل‌های انرژی بخش عمده‌ای از یارانه‌ها در اقتصاد ایران را به خود اختصاص داده‌اند و سهم آن در بودجه دولت همواره در حال افزایش بوده است. برای مثال، نسبت یارانه حامل‌های انرژی به مخارج جاری دولت طی دوره (۱۳۸۵-۱۳۸۰) بطور متوسط برابر با ۶/۹۱ درصد بوده است.

به‌رغم هزینه‌های سنگین پرداخت یارانه‌ها در نظام کنونی، اثربخشی پرداخت‌ها به دلایلی مانند تحریف قیمت‌ها و ایجاد اختلال در سازوکار بازار، طبق اهداف موردنظر آن نیست. به این دلیل، هدفمند کردن یارانه‌ها همواره مورد توجه سیاست‌گذاران بوده است؛ به طوری که در همه برنامه‌های توسعه پس از انقلاب (به‌ویژه برنامه‌های سوم و چهارم) ضرورت اصلاح آن مورد توجه بوده است. با توجه به اهمیت این موضوع در دولت نهم، طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای طرح تحول اقتصادی مطرح شد و قانون آن در سال ۱۳۸۸ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

با این رویکرد، مقاله کنونی به بررسی وضعیت یارانه حامل‌های انرژی در اقتصاد ایران و ضرورت بازنگری در آن می‌پردازد. ابتدا، کلیاتی در زمینه تعریف انواع کالاهای مشمول یارانه، پیامدهای خرد و کلان آن ارائه شده است. در ادامه، تصویری از وضع موجود یارانه حامل‌های انرژی و تجربه برخی کشورهای منتخب در زمینه هدفمند کردن آن ارائه می‌شود و در نهایت و با ارائه جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مقاله پایان می‌یابد.

۱. تعریف، ارکان و اهداف پرداخت یارانه

به رغم استفاده گسترده از ابزار یارانه در بیشتر کشورها، هنوز تعریف مشخصی برای یارانه، وجود ندارد (و تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است). برای مثال، در تعریفی ساده، یارانه (به‌عنوان مفهومی در اقتصاد خرد) مبلغ پرداخت شده برای هر واحد از کالا یا خدمت است که

یا به صورت مقدار پول مشخص برای هر واحد از کالا و خدمت و یا به صورت درصد مشخصی از قیمت هر واحد در نظر گرفته می‌شود. یادآوری می‌شود که تعریف مناسب یارانه، شامل برخی ارکان ضروری به این شرح است:

- مشخص بودن نوع پرداخت: می‌بایست نوع پرداخت اعم از مستقیم یا غیرمستقیم، بلاعوض یا معوض بودن، نقدی و غیرنقدی بودن در تعریف مشخص شود (بر مبنای هر کدام از این موارد، حوزه دخالت و مسئولیت دولت در برابر پرداخت یارانه، متفاوت خواهد بود).

- لحاظ کردن دوره پرداخت: دوره پرداخت یارانه‌ها متفاوت است، برای مثال، پرداخت یارانه‌ها برای حمایت از صنایع نوزاد موقتی (و تا رسیدن به بلوغ درآمدی و رشد مناسب در عرصه اقتصاد داخلی یا بین‌المللی) است، اما دوره پرداخت مشخصی برای یارانه‌هایی که منتفعین اصلی آن مصرف‌کنندگان هستند (و هدف آن حفظ یا ارتقای سطح رفاه است) وجود ندارد.

- مشخص بودن نهاد پرداخت‌کننده: به دلیل هزینه مالی سنگین حاصل از پرداخت یارانه، مشخص بودن نهاد پرداخت‌کننده بسیار اهمیت دارد.

- مشخص بودن حوزه پرداخت که مهم‌ترین ویژگی تعریف مناسب از یارانه است. تعیین افراد مشمول یارانه (مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان، صادرکنندگان و ...) ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

- مشخص بودن هدف پرداخت: اهداف مختلفی مانند پایین نگهداشتن سطح قیمت‌ها، افزایش قدرت خرید واقعی (حمایت از اقشار کم‌درآمد و توزیع درآمد)، توزیع بهینه منابع، تامین رفاه اجتماعی و یا حتی جبران زیان‌های ناشی از سیاست‌های دولت و موارد دیگر برای یارانه‌ها قابل پیش‌بینی است.

یادآوری می‌شود در متون اقتصادی، مجموعه اهداف پرداخت یارانه‌ها شامل این موارد است:

۱. کمک به فعالیت‌هایی که در معرض بازدهی نسبت به مقیاس فزاینده قرار دارند؛

۲. کمک به فعالیت‌هایی که آثار خارجی مثبت دارند؛

۳. بهبود توزیع درآمد و کمک به گروه‌های هدف.

۲. طبقه‌بندی یارانه‌ها

یارانه‌ها بر مبنای هدف دولت در پرداخت یارانه، مرحله‌ای که کالا یا خدمت مشمول یارانه می‌شود، نحوه توزیع، طبقه‌بندی در حسابهای مالی و انعکاس در بودجه طبقه‌بندی می‌شوند. انواع این طبقه‌بندی در نمودار شماره یک ارائه شده است.



نمودار ۱. انواع طبقه‌بندی یارانه‌ها

بر اساس طبقه‌بندی ارائه شده، یارانه حامل‌های انرژی (از جهت نحوه انعکاس در بودجه) جزء یارانه‌های پنهان، طبقه‌بندی می‌شود. بر مبنای این طبقه‌بندی، یارانه‌های آشکار، یارانه‌هایی هستند که در بودجه دولت انعکاس می‌یابند، و شامل مجموع یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم‌اند. یارانه پنهان نیز شامل همه حمایت‌های دولت از کالاها و خدماتی است که هزینه آنها در بودجه دولت منعکس نمی‌شود.

۳. پیامدهای پرداخت یارانه‌ها

یارانه از ابزارهای اقتصادی است که دولت‌ها از طریق آن برای دستیابی به اهداف مشخصی در بازار، دخالت می‌کنند. مهم‌ترین پیامد پرداخت یارانه‌ها (از جهت اقتصاد خرد)، کاهش قیمت‌های نسبی در اقتصاد، تحریف قیمت‌ها و در نهایت عدم تخصیص بهینه منابع است. یارانه‌ها با ایجاد کسری بودجه و افزایش هزینه‌های اجتماعی، آثار کلان بر اقتصاد ملی دارند. اگرچه در برخی از کشورها در ظاهر مصرف‌کنندگان از این یارانه‌ها، بهره‌مند می‌شوند (زیرا، قیمت‌های پایین‌تری برای کالاهای یارانه‌ای پرداخت می‌کنند)، اما بطور غیرمستقیم، آنها متضرر خواهند شد. به این دلیل که پرداخت یارانه، افزایش هزینه‌های عمومی، کاهش رشد اقتصادی، کسری بودجه و در نتیجه تورم را در پی خواهد داشت. علاوه بر این، برخی دولت‌ها برای تامین مالی یارانه‌ها ناگزیر به اخذ وام و انتشار پول می‌شوند. در برخی از کشورها مانند مراکش، تامین مالی یارانه‌ها به تعرفه‌های واردات متکی است، لذا، رژیم تجاری، تولید و مصرف داخلی بجای تاثیرپذیری از سیستم بازار از قیمت‌های تثبیتی دولت، متاثر می‌شوند.

نکته قابل توجه دیگر این است که، هر مقدار که شفافیت در اقتصاد گسترش یابد و مداخله دولت در نظام قیمت‌ها کمتر شود، انحراف از سرمایه‌گذاری‌های مولد نیز کاهش می‌یابد. در شرایطی که دولت، قیمت‌ها را کنترل و برای بخشی از کالاها یارانه پرداخت می‌کند، سرمایه‌گذاری دچار انحراف می‌شود. این انحراف گاهی برای بهره‌جویی از رانت‌های موجود اقتصاد در برخی از فعالیت‌ها متمرکز شده است و ظرفیت مازادی را ایجاد می‌کند که مزیت رقابت در بازارهای داخلی و خارجی را ندارد و برعکس در برخی فعالیت‌ها حتی اگر مزیت نسبی وجود داشته باشد، به جهت کنترل قیمتی سرمایه‌گذاری انجام نمی‌شود.

۴. کالاهای مشمول پرداخت یارانه

همانطور که در بخش قبل یادآوری شد، یکی از اهداف پرداخت یارانه، کمک به فعالیت‌های در معرض بازدهی نسبت به مقیاس فزاینده (مانند کالاهای عمومی)، کمک به فعالیت‌های دارای آثار خارجی مثبت و بهبود توزیع درآمد و کمک به گروه‌های هدف است. براین اساس، سرواستاوا و راثو^۱ (۲۰۰۳) معتقدند که دولت‌ها فقط برای کالاهای عمومی مانند حفاظت از آب، خاک، جنگل، حیات وحش، خدمات بهداشتی، آموزش، تحقیق و توسعه، کنترل سیلاب،

1. Sirvavastave & Bhujanga Rao (2003).

زهکشی و اکولوژی می‌بایست یارانه پرداخت کنند و پرداخت یارانه برای کالاهای که آثار مثبت خارجی ندارند، مانند یارانه‌های تولیدی (کود شیمیایی و سموم) و کالاهای اساسی، منطقی به نظر نمی‌رسد. سریواستاوا و سن نیز در ۱۹۹۷^۱ معتقد بودند که به کالاهای خصوصی، یارانه پرداخت نشود بلکه، این کالاهای عمومی‌اند که بنا به ماهیت آنها باید مشمول پرداخت یارانه شوند. علاوه بر این، همه کالاهای عمومی نیز مشمول پرداخت یارانه نیستند و در این زمینه کالاهای عمومی را به دو دسته کالاهای محق یارانه^۲ و غیرمحق^۳ یارانه تقسیم کرده‌اند.

بنابراین، طبق جدول شماره یک، همه کالاهای عمومی نیز مشمول پرداخت یارانه نیستند، بلکه کالاهایی مشمول پرداخت یارانه‌اند که آثار مثبت خارجی‌اند و همچنین بخش خصوصی مایل به سرمایه‌گذاری در آنها نیست و در گروه کالاهای محق پرداخت یارانه، قرار گرفته‌اند. زیرا، پرداخت یارانه به کالاهای غیرمحق صرف‌نظر از میزان هزینه آن، می‌تواند به جنبه‌های مختلف، زیان‌آور باشند و تخریب محیط زیست از مهم‌ترین آنها است.

پرداخت یارانه به آب و آبیاری منجر به مصرف بی‌رویه آب و در بلندمدت تخریب حاصلخیزی خاک می‌گردد. یارانه بیشتر به کودشیمیایی نیز به استفاده نامناسب و بی‌رویه و تخریب کیفیت خاک منتهی می‌شود.

برآوردهای سریواستاوا و پندی (۲۰۰۱)^۴ نشان می‌دهند حجم یارانه‌های پرداختی برای حفظ بهتر محیط زیست، بسیار اندک و آثار آن محدود است، اما حجم یارانه‌های مخرب محیط زیست بسیار بالا هستند. به طوری که، پرداخت یارانه‌های بی‌مورد کنونی در سطح جهانی مشکلات عدیده‌ای به وجود آورده است. برای مثال، مایرز و کرس^۵ در ۱۹۹۸ برآورد نمودند که بیش از ۱/۵ تریلیون دلار در سطح جهانی یارانه‌های بی‌مورد پرداخت می‌شود که این رقم از کل اقتصاد پنجم کشور بزرگ جهان نیز بیشتر است که ضمن آثار تحریفی بر اقتصاد آثار منفی بر محیط زیست نیز دارند.

-
1. Sirvavastave, D.k & Tapas K. Sen (1997).
 2. Merit
 3. Non- Merit
 4. Sirvavastave, D.k.& Pendi (2001).
 5. Mayers & Crest (1998).

جدول ۱. تقسیم بندی کالاهای عمومی

کالاهای و خدمات محق یارانه	کالاهای و خدمات غیر محق یارانه	کالاهای و خدمات محق یارانه	کالاهای و خدمات غیر محق یارانه
آموزش ابتدایی	آموزش، ورزش، هنر و فرهنگ	تحقیق و آموزش کشاورزی	برق
بهداشت عمومی	(بجز آموزش ابتدایی)	کنترل سیلاب و زهکشی	صنعت
فاضلاب و اقدامات بهداشتی	عرضه آب	جاده ها و پل ها	حمل و نقل
آب	مسکن	تحقیقات فضای	خدمات شهر سازی
نیروی کار	توسعه شهری	تحقیقات اقیانوسی	
حفاظت از آب و خاک	سایر خدمات اجتماعی	سایر تحقیقات علمی	
حفاظت از جنگل و حیات وحش	کشاورزی و فعالیتهای وابسته	اکولوژی و محیط زیست	

Source: Servavetave and Sen (1997).

۵. یارانه انرژی در برخی کشورهای منتخب

همانطور که پیشتر یادآوری شد، یارانه به کالاهای عمومی (و نه کالاهای خصوصی) و کالاهای دارای آثار خارجی مثبت، تعلق می گیرد. براین اساس، کالاهایی مانند انرژی به دلیل آثار خارجی منفی نه تنها مشمول یارانه نیستند، بلکه در بسیاری از کشورها مشمول اخذ مالیات نیز هستند.

جدول ۲. قیمت هر لیتر بنزین در برخی کشورهای پیشرفته

(دلار)

کشور	قیمت بدون مالیات	مالیات	قیمت نهایی	سهم مالیات در قیمت نهایی (درصد)
فرانسه	۷۴۲/۰	۲۰۱/۱	۹۴۳/۱	۶۲
آلمان	۷۰۱/۰	۲۷۶/۱	۹۷۷/۱	۶۴
ایتالیا	۸۳۶/۰	۱۶۰/۰	۹۹۶/۱	۵۸
انگلستان	۷۵۵/۰	۲۹۲/۱	۰۴۷/۲	۶۳
ژاپن	۸۵۵/۰	۵۵۳/۰	۴۰۸/۱	۴۰
کانادا	۷۲۵/۰	۳۰۹/۰	۰۳۴/۱	۳۰
آمریکا	۶۹/۰	۱۰۵/۰	۷۹۵/۰	۸۷

Sources: International Energy Agency.

Oil Market Report, Jan 2008.

براساس جدول شماره دو، مشاهده می‌شود که قیمت مطلق هر لیتر بنزین در کشورهای فرانسه، آلمان، ایتالیا، انگلستان، ژاپن، کانادا و آمریکا به ترتیب ۱/۹۴، ۹۷/۱، ۹۹/۱، ۲، ۴/۱، ۱ و ۷۹/۰ دلار است. یادآوری می‌شود در کشورهای مذکور به ترتیب ۶۲، ۶۴، ۵۸، ۶۳، ۴۰، ۳۰ و ۸۷ درصد از قیمت نهایی بنزین را مالیات تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، به دلیل آثار خارجی منفی مصرف بنزین (مانند تخریب محیط زیست) این کالا مشمول یارانه منفی (مالیات) شده است.

۶. وضعیت یارانه حامل‌های انرژی در اقتصاد ایران

یارانه حامل‌های انرژی سهم بالایی از کل یارانه‌ها را در اقتصاد ایران به خود اختصاص داده‌اند. در ادامه، برخی واقعیات در این زمینه ارائه می‌شود.

۶-۱ حجم یارانه‌ها در اقتصاد ایران

براساس جدول شماره سه، نسبت یارانه‌های مستقیم به تولید ناخالص داخلی از ۵۸/۱ در سال ۱۳۸۰ به ۹۷/۲ در سال ۱۳۸۵ افزایش یافت. نسبت یارانه حامل‌های انرژی به تولید ناخالص داخلی از ۶/۷ در سال ۱۳۸۰ به ۹/۲۵ در سال ۱۳۸۵ رسید و سهم کل یارانه‌ها از تولید ناخالص داخلی از ۲/۹ در سال ۱۳۸۰ به ۹/۲۸ در سال ۱۳۸۵ افزایش یافت. علاوه بر این، نسبت یارانه حامل‌های انرژی به مخارج جاری دولت از ۲/۵۰ در سال ۱۳۸۰ به ۱۲۷ در سال ۱۳۸۵ افزایش یافت. (لازم به یادآوری است که در این نسبت، یارانه‌های پنهان نیز محاسبه شده است).

جدول ۳. نسبت یارانه‌ها از تولید ناخالص داخلی طی دوره (۱۳۸۰-۱۳۸۵)

سال	نسبت یارانه‌های مستقیم کالاها و خدمات از GDP	نسبت یارانه حامل‌های انرژی از GDP	سهم کل یارانه‌ها از GDP	نسبت یارانه حامل‌های انرژی به مخارج جاری دولت
۱۳۸۰	۱/۵۸	۷/۶	۹/۲	۵۰/۲
۱۳۸۱	۱/۴۳	۱۳/۲	۱۴/۷	۸۲/۳
۱۳۸۲	۱/۷۶	۱۲/۳	۱۴	۷۵/۳
۱۳۸۳	۲/۸۷	۱۵/۸	۱۸/۷	۹۴/۶
۱۳۸۴	۲/۶۲	۲۳/۵	۲۶/۱	۱۱۹/۹
۱۳۸۵	۲/۹۷	۲۵/۹	۲۸/۹	۱۲۷
(۱۳۸۰-۱۳۸۵)	۲/۲	۱۶/۴	۱۸/۶	۹۱/۶

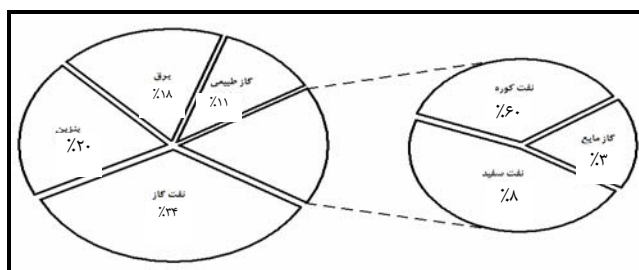
مأخذ: ترازنامه انرژی.

نظام پرداخت یارانه حامل‌های انرژی ... ۱۴۹

بر مبنای این جدول، بخش عمده‌ای از یارانه‌ها در اقتصاد ایران به یارانه‌های پنهان حامل‌های انرژی اختصاص دارد. متوسط نسبت ۴,۱۶ درصدی این یارانه‌ها از تولید ناخالص داخلی در دوره (۱۳۸۵-۱۳۸۰) دلیلی بر این مدعا است.

۲-۶ سهم حامل‌های انرژی از کل یارانه انرژی

در بین حامل‌های انرژی در سال ۱۳۸۶، نفت گاز ۳۴ درصد، بنزین ۲۰ درصد، برق ۱۸ درصد و گاز طبیعی ۱۱ درصد به ترتیب، بیشترین سهم از کل یارانه‌های انرژی را به خود اختصاص داده‌اند. نفت سفید ۸ درصد، نفت کوره ۳ درصد و گاز مایع ۳ درصد، در مجموع شامل ۱۷ درصد از کل یارانه انرژی بوده‌اند (نمودار ۲).

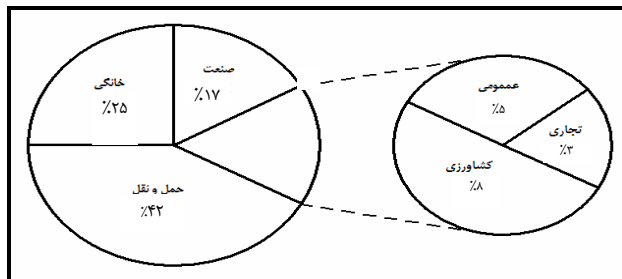


مأخذ: ترازنامه انرژی، ۱۳۸۶.

نمودار ۲. سهم حامل‌های انرژی از کل یارانه انرژی در سال ۱۳۸۶

۳-۶ سهم بخش‌های مصرف‌کننده از یارانه انرژی

در بین بخش‌های مصرف‌کننده انرژی، بخش حمل‌ونقل و خانگی به ترتیب با سهم ۴۲ و ۲۵ درصدی بیشترین سهم از مجموع یارانه پرداختی به حامل‌های انرژی را داشته‌اند و بخش‌های صنعت، کشاورزی، عمومی و تجاری در رتبه‌های بعدی قرار دارند (نمودار ۳).



مأخذ: ترازنامه انرژی، ۱۳۸۶.

نمودار ۳. سهم بخش‌های مختلف از یارانه انرژی در سال ۱۳۸۶

۷. مشکلات نظام کنونی پرداخت یارانه حامل‌های انرژی

اگرچه پرداخت یارانه‌های آشکار و پنهان انرژی در اقتصاد ایران با اهداف خاصی صورت می‌گیرد اما، نظام کنونی پرداخت یارانه‌ها با این مشکلات اساسی مواجه است که عبارت اند از:

۷-۱ پرداخت همگانی و کاهش اثربخشی یارانه‌ها

یکی از مشکلات مهم نظام کنونی پرداخت یارانه، ارتباط مستقیم بهره‌مندی از یارانه‌ها با میزان مصرف است. به این مفهوم که گروه‌های پرمصرف، بیشتر از یارانه برخوردار می‌شوند. میزان بهره‌مندی گروه‌های مختلف از یارانه حامل‌های انرژی در جدول شماره چهار، ارائه شده است.

جدول ۴. سهم دهک‌های مختلف از یارانه حامل‌های انرژی در سال ۱۳۸۶

(درصد)

حامل‌ها/ دهک‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	جمع
شهری	۰/۸	۱/۷	۲/۲	۳/۲	۳/۷	۴/۹	۵/۶	۸/۵	۱۱/۶	۱۶/۹	۵۹/۱
روستایی	۰/۵	۱/۲	۱/۷	۱/۹	۲/۷	۳/۶	۴/۱	۵/۱	۷	۱۳/۱	۴۰/۹
جمع	۱/۳	۲/۹	۳/۹	۵/۲	۶/۳	۸/۵	۹/۷	۱۳/۵	۱۸/۶	۳۰	۱۰۰
شهری	-	۰/۱	۰/۳	۰/۱	۰/۳	۰/۳	۰/۸	۱/۵	۲/۹	۰/۵	۶۸
روستایی	۰/۴	۱/۴	۰/۸	۳	۷	۶/۸	۹/۶	۸/۷	۲۴/۴	۳۱	۹۳/۲
جمع	۰/۴	۱/۵	۱/۱	۳/۱	۷/۲	۷/۱	۱۰/۴	۱۰/۲	۲۷/۳	۳۱/۶	۱۰۰
شهری	۱/۹	۱/۹	۱/۶	۱/۷	۱/۴	۱/۳	۱/۵	۱/۳	۱	۰/۹	۱۴/۵
روستایی	۴/۵	۶/۴	۷/۲	۷/۹	۸/۶	۹	۹/۶	۱۰/۲	۱۰	۱۲/۱	۸۵/۵
جمع	۶/۴	۸/۳	۸/۸	۹/۶	۱۰	۱۰/۳	۱۱/۱	۱۱/۵	۱۱	۱۳	۱۰۰
شهری	۰/۷	۱/۱	۱/۱	۰/۸	۱/۱	۱/۱	۱	۱	۰/۵	۰/۶	۹/۱
روستایی	۲/۶	۴/۱	۶/۵	۸/۱	۸/۵	۸/۱	۱۰/۸	۱۱/۴	۱۳/۹	۱۷	۹۰/۹
جمع	۳/۳	۵/۲	۷/۶	۸/۹	۹/۶	۹/۲	۱۱/۸	۱۲/۴	۱۴/۵	۱۷/۶	۱۰۰
شهری	-	۱۴/۴	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۴/۴
روستایی	-	۷/۴	-	۳۲/۳	۴	-	-	۱۸/۶	۱۸/۱	۵/۱	۸۵/۶
جمع	-	۲۱/۸	-	۳۲/۳	۴	-	-	۱۸/۶	۱۸/۱	۵/۱	۱۰۰

مأخذ: ترازنامه انرژی، ۱۳۸۶.

طبق جدول شماره چهار، سهم دهک دهم خانوارهای شهری و روستایی از یارانه بنزین

به ترتیب ۲/۲۱ و ۲/۲۶ برابر دهک اول است. در حالی که، سهم هزینه انرژی دهک‌های پایین

نظام پرداخت یارانه حاملهای انرژی ... ۱۵۱

شهری و روستایی به مراتب بیشتر از دهک‌های بالا است. براساس جدول شماره پنج، مشاهده می‌شود که سهم هزینه انرژی دهکهای اول و دوم خانوارهای شهری به ترتیب ۴/۸ و ۴ درصد و برای دهک‌های نهم و دهم ۲/۴ و ۱/۷ درصد از کل هزینه‌ها است. این نسبت برای دهک‌های اول، دوم، نهم و دهم خانوارهای روستایی به ترتیب ۷/۹، ۶/۳، ۳/۸ و ۲/۸ درصد است (جدول ۵).

جدول ۵. سهم هزینه انرژی از کل هزینه خانوار در دهک‌های مختلف در سال ۱۳۸۶

خانوار / دهک	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
شهری	۴/۸	۴	۳/۶	۳/۴	۳/۲	۲/۹	۲/۸	۲/۷	۲/۴	۱/۷
روستایی	۷/۹	۶/۳	۵/۹	۵/۴	۵/۱	۴/۸	۴/۵	۴	۳/۸	۲/۸

مأخذ: ترازنامه انرژی، ۱۳۸۶.

۲-۷ بهره‌وری پایین انرژی

پایین بودن قیمت انرژی منتهی به استفاده از تکنولوژی‌های انرژی‌بر و بنابراین کاهش بهره‌وری انرژی در اقتصاد ایران شده است. مرووری بر ضریب انرژی که از نسبت نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به نرخ رشد مصرف انرژی حاصل می‌شود، دلیلی بر این مدعا است (جدول ۶).

جدول ۶. ضریب انرژی ایران در دوره‌های گوناگون

دوره	ضریب انرژی
(۱۳۴۶-۱۳۵۷)	۱/۴۱
(۱۳۵۷-۱۳۶۸)	-۵/۲۸
(۱۳۶۸-۱۳۸۵)	۱/۱۵
(۱۳۸۵-۱۳۸۶)	۰/۹۲

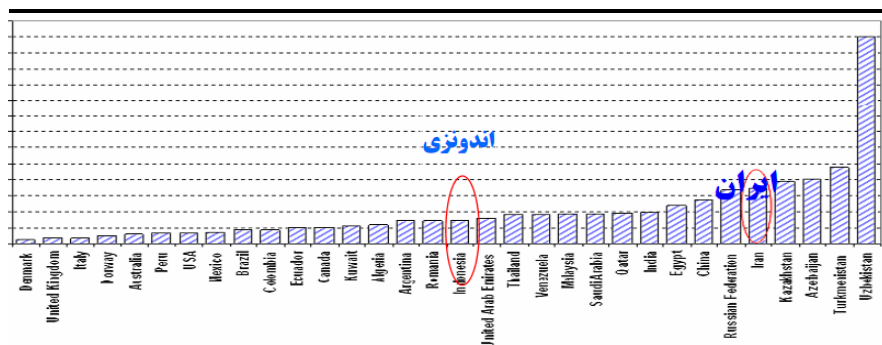
مأخذ: ترازنامه انرژی، ۱۳۸۶.

مقایسه ضرایب انرژی ایران و برخی کشورهای منتخب براساس جدول شماره هفت، نشان می‌دهد که وابستگی تولید ایران به میزان مصرف انرژی بسیار بالاست. در حالی که این ضریب برای ایران ۱/۱۸ است، برای ژاپن، کره و ترکیه به ترتیب ۰/۰۲، ۰/۳۹ و ۰/۸۵ است.

جدول ۷. ضریب انرژی کشورهای منتخب در سال‌های (۲۰۰۲-۲۰۰۰)

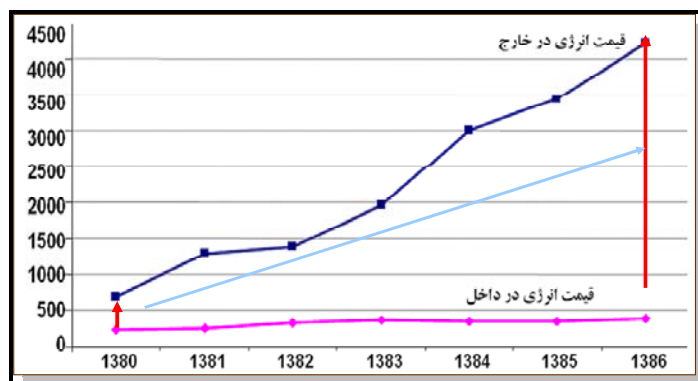
ایران	ونزوئلا	پاکستان	هند	چین	خاورمیانه	آفریقا	ترکیه	کره	ژاپن	آمریکای شمالی	OECD
۱/۱۸	۱/۰۷	۰/۷۸	۰/۳۸	۰/۷۷	۱/۱	۰/۶۸	۰/۸۵	۰/۳۹	۰/۰۲	۰/۱۲	۰/۲۹

یکی دیگر از شاخص‌های کلان اقتصاد انرژی، شدت انرژی است که از تقسیم مصرف نهایی انرژی بر تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید (و نشان‌دهنده میزان انرژی مورد استفاده در تولید مقدار معینی از کالاها و خدمات است). براساس نمودار شماره چهار، مشاهده می‌شود که شدت انرژی در ایران نسبت به بسیاری از کشورها بالاتر است.



۳-۷ افزایش مصرف و فشار بر بودجه دولت در نتیجه شکاف بین قیمت‌های داخلی و خارجی حامل‌های انرژی

پرداخت یارانه و غیرواقعی کردن قیمت از طریق پایین نگهداشتن آن، منتهی به افزایش شدید مصرف می‌شود. با توجه به اینکه تولیدات داخلی تامین کننده میزان مصرف نیست، بنابراین، بخشی از این نیاز از طریق واردات تامین می‌شود. پرداخت یارانه برای جبران اختلاف بالای قیمت‌های داخلی و خارجی طبق نمودار شماره شش، هرساله بخشی از منابع مالی دولت را می‌بلعد. برای مثال، در شش ماهه اول سال ۱۳۸۸ بطور متوسط ۶۶ میلیون لیتر بنزین در ایران مصرف شد که ۴۴ میلیون لیتر آن از تولیدات داخل و ۲۲ میلیون لیتر مابقی از طریق واردات تامین شده است.



نمودار ۶. تفاوت بین قیمت‌های داخلی و خارجی حامل‌های انرژی (لیتر - ریال)

۴-۷ عدم تحرک به سمت توانمندسازی و چابک‌سازی (تعارض با اصل ۴۴ قانون اساسی)

پرداخت انرژی ارزان قیمت به واحدهای تولیدی، همراه با مدیریت نامناسب، ناکارایی‌ها و موارد دیگر، مانع حرکت به سمت ابداع، نوآوری، تغییر فناوری، توانمندسازی و نوآوری بنگاه‌ها شده است. برای مثال در برخی از صنایع، هزینه‌های انرژی بالغ بر ۱۵ درصد کل هزینه‌ها را شامل می‌شود. پرداخت انرژی ارزان قیمت، مانع حرکت به سمت تغییر تکنولوژی و فناوری شده است (این موضوع منجر به ایجاد فضای گلخانه‌ای در واحدهای تولیدی شده است). علاوه بر مشکلات یاد شده، برخی از مشکلات دیگر نظام کنونی پرداخت یارانه حامل‌های انرژی به این شرح است:

- انحراف در سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل علامت‌دهی نادرست به بازار؛
- افزایش مقاومت در برابر تغییر و مشکل‌تر شدن اصلاح نظام پرداخت یارانه؛
- افزایش هدر رفت منابع و تشدید تخریب محیط زیست.

۸. ضرورت هدفمند کردن یارانه‌ها و مزایای آن

در راستای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و با توجه به مشکلات نظام کنونی پرداخت یارانه‌ها، بازنگری در زمینه شیوه پرداخت یارانه‌ها موضوعی ضروری و

اجتناب‌ناپذیر است. بدیهی است تداوم روند موجود، کشور را به واردکننده خالص انرژی مبدل می‌کند و دستیابی به اهداف افق ۱۴۰۴ را ناممکن خواهد ساخت. براین اساس، هدفمند کردن یارانه‌ها از اصلاحات اساسی مورد نیاز برای دستیابی به اهداف مذکور است که مزایایی مانند موارد زیر در پی خواهد داشت:

- افزایش کارایی نظام اقتصادی؛
- اصلاح ساختار تولید در راستای بکارگیری فناوری با شدت انرژی پایین؛
- کنترل رشد مصرف داخلی؛
- بهبود شفافیت مالی دولت و شرکت‌های دولتی؛
- کاهش فساد، رانت و اتلاف منابع ناشی از یارانه‌های غیرهدفمند؛
- ارتقای عدالت اجتماعی (از طریق کاهش شکاف بین گروه‌های مختلف درآمدی)
- بهبود شاخص‌های زیست‌محیطی به دلیل صرفه‌جویی در مصرف انرژی‌های فسیلی.

۹. تجربه کشورهای منتخب در زمینه اصلاح یارانه حامل‌های انرژی

لهستان: هدفمندسازی یارانه انرژی در لهستان بخشی از برنامه اصلاحات اقتصادی پس از فروپاشی نظام سوسیالیستی بود که موفق‌ترین برنامه در گروه کشورهای بلوک شرق به‌شمار می‌رفت. از مهم‌ترین موارد بسته هدفمندسازی یارانه حامل‌های انرژی به «قطع یارانه انرژی صنایع به روش شوک درمانی»، «کنترل شدید انضباط مالی دولت»، «توقف رشد تورمی دستمزدها و افزایش نرخ بهره»، «تضعیف پول ملی لهستان با حمایت صندوق بین‌المللی پول»، «اجرای برنامه خصوصی‌سازی به همراه آزادسازی قیمت‌ها» و «اصلاح قوانین تجارت خارجی برای تسهیل صادرات و جذب سرمایه‌گذاری خارجی» می‌توان اشاره کرد.

آثار کوتاه‌مدت حاصل از اجرای برنامه یاد شده موجب کاهش ۲۴ درصدی تولیدات صنعتی و رشد ۱۵/۷ درصدی بیکاری شد. در مقابل، نرخ تورم که در اواخر سال ۱۹۸۹ به ۲ هزار درصد رسیده بود در سال ۱۹۹۲ به ۳۵ درصد کاهش یافت. با حمایت از بخش خصوصی، بتدریج آثار اولیه رفع شد و این بخش به موتور محرک اقتصاد مبدل گردید و با ایجاد پانصد هزار فرصت شغلی توسط این بخش، در سال ۱۹۹۲ نرخ بیکاری کشور کاهش قابل توجهی یافت. براساس نتایج مطالعه‌ای در مورد منافع و زیان‌های افزایش قیمت انرژی بر خانوارها در لهستان، میزان

رفاه از دست رفته با کسش‌های قیمتی ارتباط داشته است و با افزایش قیمت حامل‌های انرژی، خانوارهای پردرآمد رفاه بیشتری را از دست دادند.

بلغارستان: پیش از ایجاد اصلاحات اقتصادی برای حمایت از خانوارهای کم‌درآمد و تولیدکنندگان، بخش انرژی به شدت مورد حمایت بود. با شروع برنامه‌های آزادسازی اقتصادی، برای کاهش بدهی‌های عمومی و افزایش سرمایه‌گذاری، حمایت در این بخش کاهش یافت و خانوارها فقط استفاده‌کنندگان منافع حاصل از یارانه‌های انرژی شدند. اخیراً پیشرفت‌های مهمی در اصلاح انرژی به ویژه تعدیل قیمت برق، انجام شد. در اواسط سال ۲۰۰۲، کمیسیون تنظیم انرژی دولت، جداول تعرفه برق را به گونه‌ای تغییر داد که در دوره (۲۰۰۴-۲۰۰۲) قیمت برق مصرفی خانوارها معادل قیمت تمام شده آن باشد. به این منظور، مقرر شد تا این کمیسیون تعرفه برق را به ترتیب ۲۰، ۱۵ و ۱۰ درصد، طی این سه سال افزایش دهد. برای حمایت از فقرا در مواجهه با اثر تعدیل قیمت‌ها، دولت این فرایند اصلاح را با دو سازوکار همراه کرد. اول، افزایش یارانه انرژی در زمستان و دوم، ایجاد سیستم دوگانه قیمت‌گذاری که به موجب آن تعرفه یارانه‌ای به‌ازای سطح معینی از مصرف تا سال ۲۰۰۵ تداوم یافت و تعرفه بیشتر برای سطوح بالاتر مصرف، وضع گردید. فرآیند اصلاح یارانه‌های انرژی در بلغارستان بسیار موثر بود و از سال ۱۹۹۸ سهم یارانه‌ها از تولید ناخالص داخلی روند کاهشی یافت و از ۲/۵ درصد به ۰/۷ درصد در سال ۲۰۰۰ رسید. در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ سهم یارانه‌ها از تولید ناخالص داخلی به ۴/۰ درصد کاهش یافته است.

اندونزی: دولت اندونزی از اختصاص یارانه مستقیم به فرآورده‌های نفتی برای حمایت از اقشار کم‌درآمد و خانوارهای فقیر استفاده می‌کند. بدیهی است که قیمت فرآورده‌های نفتی در این کشور کمتر از کشورهای دیگر آسیای جنوب شرقی است. این یارانه‌ها بیش از ۱۰ درصد بودجه دولت را به خود اختصاص داده‌اند و زیان‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی نیز به‌همراه داشته‌اند.

بازنگری دولت در پرداخت یارانه به فرآورده‌های نفتی موجب افزایش درآمدهای ارزی و کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی شد. در سال ۲۰۰۲، هزینه خالص اقتصادی پرداخت یارانه به نفت سفید، گازوئیل خودرو، گازوئیل صنعتی، بنزین و نفت کوره سنگین به حدود ۴ میلیارد دلار رسید. براساس برنامه‌ریزی سال‌های (۲۰۰۵-۲۰۰۰) دولت اندونزی ۳۶ میلیارد دلار صرف

یارانه‌های نفتی کرد. علاوه بر این، ارزش درآمدهای ارزی از دست رفته به دلیل کاهش صادرات، ۱۶ میلیارد دلار بود.

اصلاح سیستم یارانه‌ای این امکان را فراهم می‌کند تا منابع مالی به صورت کارآمدتری برای فقرا بکار روند. دولت با کاهش یارانه فرآورده‌های نفتی در کاهش کسری بودجه و مهار روند افزایشی مصرف داخلی انرژی، تلاش می‌کند. بدیهی است که دولت ضرورت کاهش یارانه‌های نفتی را مشروط به حداقل فشار به خانوارهای فقیر را موضوعی اجتناب‌ناپذیر می‌داند. علاوه بر این، می‌بایست حداقل بخشی از هزینه یارانه‌های نفت صرف کاهش فقر، توسعه آموزش، توسعه حمل و نقل عمومی، ارتقای خدمات بهداشتی و برنامه‌های دیگر توسعه اجتماعی شود. البته ممکن است افزایش مستقیم درآمد نیز بسیار موثرتر از حمایت غیرمستقیم از طریق یارانه‌هایی مانند یارانه‌های نفتی باشد.

چین: پرداخت یارانه بخش انرژی، توسط دولت چین از قدمت زیادی برخوردار است، به طوری که کنترل قیمت‌های انرژی و پرداخت بهای کمتری از آن توسط مصرف‌کنندگان، خسارات جبران‌ناپذیری را به این بخش وارد کرده است و موجب ناکارایی بیشتری شده است. با وجود این، اگرچه طی سالهای اخیر سیستم قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی تاحدودی متحول شده است و تلاش می‌شود تا آثار تغییرات و دگرگونی‌های موجود آمده در بازارهای بین‌المللی نیز در آن لحاظ شود، هنوز قیمت اغلب سوخت‌ها در چین از طریق دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها اعلام می‌شود. بنابراین، چشم‌انداز آزادسازی بخش انرژی با این فرض در نظر گرفته می‌شود که دولت بتدریج پرداخت یارانه‌ها را در این بخش و طی ده سال (۲۰۱۰-۲۰۲۰) حذف خواهد کرد. به عبارت دیگر، تا سال ۲۰۱۰ قیمت انواع حامل‌های انرژی، تابعی از هزینه اقتصادی عرضه آن بوده است و از شرایط بازارهای بین‌المللی انرژی در نقاط مختلف جهان پیروی خواهد کرد.

اگرچه اتخاذ شیوه جدید زندگی در بخش‌های خانگی، تجاری و حمل و نقل شخصی از صفات مهم و بارز رشد شتابان مصرف انرژی در کشور چین است و به عبارت دیگر، چشم‌انداز افزایش درآمد سرانه مردم چین از ۲۸۳ دلار در سال ۲۰۰۰ به ۳۳۸.۱۳ دلار در سال ۲۰۰۳ از عوامل مهم افزایش تقاضای انرژی در چین به شمار می‌رود. استفاده از انرژی‌های متنوع (نفت و گاز و هسته‌ای) و کاهش سهم زغال‌سنگ در سبد انرژی مصرفی، ایجاد اطمینان خاطر در امنیت انرژی (ذخیره‌سازی نفت)، افزایش کارایی انرژی با مشارکت سرمایه‌های خصوصی و خارجی، کنترل انتشار آلاینده‌ها، آزادسازی بخش انرژی و قیمت‌های آن از طریق یارانه‌ها تا سال ۲۰۱۰ و

تداوم سیستم پرداخت یارانه سنتی به غذا و پوشاک از مهم‌ترین اهداف جدید سیاست‌های انرژی کشور چین است. اما چین، برای ورود به سازمان تجارت جهانی در سال‌های اخیر کنترل قیمت ۱۲۸ نوع کالا (بجز کالاهای عمومی مانند انرژی برق، مخابرات و ...) را حذف کرد.

ت ترکیه: ترکیه در سال ۲۰۰۱، یک بسته سیاستی کلان شامل معرفی نظام نرخ ارز شناور، کاهش کسری بودجه دولت و استقلال بانک مرکزی، برنامه اصلاح بازارهای مالی، مخابرات و انرژی را با پشتیبانی همه‌جانبه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به روش خصوصی‌سازی نهادهای عمده دولتی اعلام کرد. برنامه خصوصی‌سازی بازار انرژی با آزادسازی آغاز شد در این ارتباط، قانون بازار برق در سال ۲۰۰۱ به تصویب مجلس رسید و براساس آن نهاد تهیه مقررات مربوط به بازار انرژی نیز تاسیس شد.

براساس این قانون، بازار آزاد تولید و توزیع برق ایجاد شد که طبق آن، شرکت دولتی که هر سه بخش تولید، توزیع و انتقال برق را بعهده داشت به تفکیک حوزه‌های تولید و بازرگانی در اختیار بخش خصوصی قرار گرفت.

در سال ۲۰۰۲ چهار مرحله برنامه رقابتی کردن بازار برق به این شرح اعلام شد:

۱. اعطای مجوز تاسیس شرکت برق و گاز طبیعی به بخش خصوصی؛
۲. اعطای حق انتخاب شرکت تولید برق به مصرف‌کنندگان عمده (از سال ۲۰۰۳)؛
۳. راه‌اندازی مرکز توافقات مالی برای تسویه و تراز مبادلات؛
۴. بهره‌برداری کامل از مرکز مالی فوق.

در سال ۲۰۰۴ پارلمان ترکیه طرحی را به تصویب رساند که طی آن هزینه‌های تولید نفت داخل آن کشور اصلاح شد و قیمت برای مصرف‌کننده، آزاد گردید. برنامه خصوصی‌سازی شرکت‌های پالایش نفت از ۲۰۰۵ آغاز و تاکنون نیز ادامه یافته است. برای مثال، ۳۱/۵ درصد از شرکت پالایش نفت ترکیه که ۸۰ درصد نفت این کشور در آن پالایش می‌شود در سال ۲۰۰۷ به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی فروخته شد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

- در متون اقتصادی، اهداف پرداخت یارانه‌ها شامل کمک به فعالیت‌های در معرض بازدهی نسبت به مقیاس فزاینده و دارای اثرات خارجی مثبت و بهبود توزیع درآمد است. براین اساس، افرادی مانند سرواستاوا و راثو (۲۰۰۲) معتقدند که یارانه‌ها می‌بایست برای کالاهایی مانند حفاظت از آب، خاک، جنگل، حیات وحش، خدمات بهداشتی، آموزش، تحقیق و توسعه، کنترل سیلاب، زهکشی و اکولوژی (به‌عنوان کالاهای عمومی) پرداخت شود.
- علاوه بر این، براساس نظریات سرواستاوا و سن در ۱۹۹۷ کالاهای خصوصی و کالاهایی که آثار خارجی مثبت ندارند، نباید مشمول پرداخت یارانه شوند. براین اساس، در بسیاری از کشورهای پیشرفته مصرف انرژی به دلیل آثار مخرب زیست محیطی آن با یارانه منفی (یا مالیات) همراه است (به عبارت دیگر، بخش قابل توجهی از قیمت نهایی انرژی در این کشورها را مالیات تشکیل می‌دهد).
- مهم‌ترین پیامد پرداخت یارانه‌ها از دیدگاه اقتصاد خرد، کاهش قیمت‌های نسبی، تحریف قیمت‌ها و در نتیجه عدم تخصیص بهینه منابع است (برای مثال، مداخله دولت‌ها در نظام قیمت‌ها منتهی به انحراف از سرمایه‌گذاری‌های مولد خواهد شد).
- از دیدگاه اقتصاد کلان، پرداخت یارانه‌ها منجر به بروز کسری بودجه و افزایش هزینه‌های اجتماعی می‌شود (برای مثال، برخی دولت‌ها برای تامین مالی یارانه‌ها، مجبور به اخذ وام و انتشار پول می‌شوند که تبعاتی مانند تورم را در پی خواهد داشت).
- برخلاف نظریات اقتصادی و تجربه بسیاری از کشورها، بخش عمده‌ای از یارانه‌ها در اقتصاد ایران به یارانه‌های پنهان انرژی (که در زمره کالاهای دارای آثار خارجی منفی‌اند) اختصاص دارد. برای مثال، طی دوره (۱۳۸۵-۱۳۸۰)، سهم یارانه حامل‌های انرژی از تولید ناخالص داخلی بطور متوسط ۱۶/۴ درصد بوده است. یادآوری می‌شود که در سال ۱۳۸۶ از دیدگاه حامل انرژی، نفت گاز و بنزین بیش از ۵۰ درصد و از دیدگاه بخش‌های مصرف‌کننده، بخش‌های حمل‌ونقل و خانگی حدود ۶۷ درصد از مجموع یارانه پرداختی را به خود اختصاص داده‌اند.

• نظام کنونی پرداخت یارانه‌ها در اقتصاد ایران، با مشکلات اساسی مانند پرداخت همگانی و کاهش اثربخشی یارانه‌ها، بهره‌وری پایین انرژی، افزایش بی‌رویه مصرف و فشار بر بودجه دولت و ایجاد فضای گلخانه‌ای برای بنگاه‌های تولیدی مواجه است.

• تجربه اصلاح قیمت حامل‌های انرژی در برخی کشورهای منتخب نشان دهنده آن است که اگرچه در کوتاه‌مدت این سیاست برخی تبعات منفی زودگذر به همراه دارد، اما وجود مزایای میان‌مدت و بلندمدت آن مانند کاهش تورم و افزایش رشد اقتصادی، اجرای چنین سیاست‌های ساختاری را توجیه‌پذیر می‌سازد.

• مشکلات متعدد پرداخت یارانه‌ها به شیوه کنونی، دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور را با تردید مواجه خواهد ساخت. براین اساس و با توجه به تجربه سایر کشورها، بازنگری در شیوه پرداخت یارانه‌ها موضوعی اجتناب‌ناپذیر است. با اجرای مجموعه سیاست‌های مکمل، می‌توان تبعات منفی زودگذر این اقدام را به حداقل رساند و در برابر (در میان‌مدت و بلندمدت) از مزایای فراوان آن مانند افزایش کارایی نظام اقتصادی و رشد اقتصادی، افزایش شفافیت، ارتقای عدالت اجتماعی و بهبود شاخص‌های زیست‌محیطی، بهره‌مند شد.

منابع

الف) فارسی

- پرمه، زورار (۱۳۸۴)، آثار سیاست‌های اقتصادی بر رفاه خانوار (مطالعه کاهش یارانه حامل‌های انرژی و کالاهای اساسی، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی).
- پرمه، زورار (۱۳۸۴)، امکان‌سنجی شناسایی خانوارهای نیازمند از خانوارهای بی‌نیاز در ایران در راستای هدفمند نمودن یارانه‌ها، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- پرمه، زورار (۱۳۸۸)، برآورد اثرات هدفمندی سازی یارانه حامل‌های انرژی بر سطح قیمت کالاها و خدمات، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۸)، فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات توسعه اقتصادی، ترجمه غلامعلی فرجادی، چاپ اول.
- حسینی، شمس‌الدین و افسانه شفیعی (۱۳۸۳)، «اثر کسب و کار الکترونیکی بر تقاضای بنزین: مطالعه تجربی شهر تهران»، سومین همایش تجارت الکترونیک.

مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۸۵)، کاربرد یارانه در اقتصاد ایران. شفیع، افسانه و احمد تشکینی (۱۳۸۵)، «بررسی راهکارهای کاهش مصرف بنزین و تبعات ناشی از افزایش قیمت آن»، فصلنامه موسسه مطالعات دین و اقتصاد، شماره ۸. معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۸۳)، نگاهی به یارانه: مفاهیم، عملکردها، چالش‌ها و مسیرهای پیش‌رو، وزارت بازرگانی. معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۸۷)، مشخصه‌های نظام کنونی پرداخت یارانه حامل‌های انرژی در ایران و الزامات هدفمندسازی آن، وزارت بازرگانی. مهر آرا، محسن (۱۳۸۱)، افزایش قیمت حامل‌های انرژی دیدگاه‌های موافق و مخالف، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر بررسی‌های اقتصادی. وزارت نیرو، دفتر برنامه‌ریزی کلان برق و انرژی، ترازنامه انرژی، سالهای مختلف.

ب) انگلیسی

Federal Financial Intervention and Subsidies in Energy Markets 2007
Report: SR/CNEAF/2008-01
Organization for Economic and Cooperation (OECD).
Sirvavastave, D.k., C.Bhujanga Rao (2003), *Governments Subsidies in India Issues and Approach*, National Institute for Public Finance and Policy.
Sirvavastave, D.k., Tapas K.Sen, et.al(1997), *Governments Subsidies in India*, National Institute for Public Finance and Policy.